



Semiotic Analysis of the Title of “Al-Qatil Al-Ashqar” by Tariq Bekari

Iman Ghanbariaghdam¹, Aliakbar Mohseni*², Ali Salimi³, Vahid Sabzianpoor⁴

¹PHD student, Arabic language and literature group, Razi University, Kermanshah, Iran.

²Associate Professor, Arabic language and literature group, Razi University, Kermanshah, Iran.

³ Professor, Arabic language and literature group, Razi University Kermanshah, Iran.

⁴ Professor, Arabic language and literature group, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
23/06/2022

Accepted:
04/11/2023

Moroccan author, Tariq Bekari (1988), is a talented writer who scrutinizes a significant part of the problems affecting the Moroccan and Arab-Islamic societies with his eloquent writing style. The novel “Al-Qatil Al-Ashqar” is one of his prominent works, which depicts anomalies including the prevalence of prostitution, identity crisis, and murder. The title of this work is full of cleverly-chosen signs. In this article, the authors try to analyze the signs in the title of the novel “Al-Qatil Al-Ashqar” with the semiotic method. The results show that the word “Al-Qatil” in addition to its apparent meaning refers to fatal incidents including childhood rapes, emotional damage, loss of dignity concerning shama, identity crisis, and other painful incidents that destroyed a part of Ashqar's personality. In addition, the word Al-Ashqar can symbolically refer to the stigma caused by illegitimacy, specialness, and similar concepts, which is justified by companionship with “Al-Qatil”. In this work, Bekari artistically depicts the transformation of Ashqar's character into a vampire killer and his joining ISIS. In fact, by including various linguistic signs, the author tries to reveal the identity crisis and moral corruption of ISIS leaders

Keywords: semiotics, visual signs, title., Tariq Bekari, Al-Qatal Al-Ashqar.

Cite this article: Ghanbariaghdam, Iman, Mohseni, Aliakbar, Sabzianpoor, Vahid, Salimighalei, Ali. (2024). *Semiotic Analysis of the Title of “Al-Qatil Al-Ashqar” by Tariq Bekari*, Vol. 15, New Series, No.54, Winter 2024: pages: 47-65.

DOI: 10.30479/lm.2023.17430.3415



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Iman Ghanbariaghdam

Address: PHD student, Arabic language and literature group, Razi University, Kermanshah, Iran.

E-mail: imanghanbariaghdam@gmail.com

تحلیل نشانه‌شناختی عنوان رمان «القاتل الأشقر» اثر طارق بکاری

ایمان قنبری اقدم^۱، علی اکبر محسنی^{۲*}، علی سلیمی^۳، وحید سبزیان پور^۴

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۴ استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۱/۰۴/۰۲

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۸/۱۳

طارق بکاری (۱۹۸۸م) نویسنده اهل مراکش، از نویسندگان توانایی است که با قلم شیوا و هنرمندانه خود توانسته است بخش قابل توجهی از مشکلاتی که دامن‌گیر جامعه مراکش و جامعه اسلامی - عربی شده است را موşkافانه موردنقد قرار دهد. رمان «القاتل الأشقر» یکی از آثار برجسته اوست که در آن، ناهنجاری‌هایی همچون رواج روسپی‌گری، بحران هویت، قتل و کشتار و... را مورد بررسی قرار داده است. عنوان این اثر، سرشار از نشانه‌هایی است که او با هوشمندی خاصی آن‌ها را در اثر گنجانده است. نویسندگان در این جستار بر آن بوده‌اند تا با روشی نشانه‌شناسانه به بررسی نشانه‌های موجود در عنوان رمان «القاتل الأشقر» بپردازند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که کلمه «القاتل» علاوه بر معنای ظاهری آن، اشاره به حوادث کشنده‌ای همچون تجاوزهای دوران کودکی، آسیب عاطفی و از دست رفتن حیثیت در رابطه با شامه، بحران هویت و... دارد که بخشی از شخصیت اشقر را به نابودی کشانده‌اند. همچنین، واژه الأشقر، از لحاظ نمادین، می‌تواند به داغ ننگ ناشی از نامشروع بودن، خاص بودن و مفاهیمی از این دست اشاره داشته باشد که ارتباط و هم‌نشینی آن با «القاتل» این مسئله را توجیه می‌کند. وی در این اثر، به شیوه هنرمندانه‌ای روند تحوّل شخصیت اشقر به قاتلی خون‌آشام و پیوستن او به داعش را به تصویر کشیده است. در واقع، نویسنده با گنجاندن نشانه‌های گوناگون زبانی، به دنبال آن بوده است تا پرده از روی بحران هویت و فساد اخلاقی سران داعش برگردد.

کلمات کلیدی: نشانه‌شناسی، نشانه‌های تصویری، عنوان، طارق بکاری، القاتل الأشقر.

استناد: قنبری اقدم، ایمان؛ محسنی، علی اکبر؛ سلیمی، علی؛ سبزیان پور، وحید. (۱۴۰۲). تحلیل نشانه‌شناختی عنوان

رمان «القاتل الأشقر» اثر طارق بکاری، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۲: ۶۵-۴۷

DOI: 10.30479/lm.2023.17430.3415



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

رمان مهم‌ترین فرم ادبی در عصر حاضر است که نویسنده می‌تواند در آن با بیانی شیوا، نابسامانی‌ها و معضلات جامعه را به تصویر بکشد. در این گونه آثار، بیشترین توجه نویسنده معطوف به تباهی هنجارها و ارزش‌هایی است که در جامعه جریان دارد؛ به گونه‌ای که خود او به‌عنوان فردی برخاسته از همان جامعه، سیر این تباهی را با تمام وجود لمس کرده است و از این رو، می‌کوشد تا با قلم خود، از یکسو انحطاط ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را، به‌صورت برجسته و پررنگ، به حافظه جمعی منتقل کند و از دیگرسو، علل و عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی آن را بازگو کند.

طارق بکاری (۱۹۸۸م)، نویسنده مراکشی رمان «القاتل الأشقر» با آفرینش و خلق شخصیت‌های نمادین در رمان خود، یکی از رایج‌ترین و ویرانگرترین ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه خود؛ «فحشاء» و «روسی‌گری» را به تصویر کشیده و پیامدهای منفی و مخرب این فساد اخلاقی و فرهنگی را در جامعه رو به تباهی خود، به‌روشنی بازگو می‌کند. همچنین ریشه‌ها و عوامل اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی این بحران‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد و پیوند میان این ناهنجاری‌ها، با ظهور فرقه‌ها و جریاناتی افراطی همچون داعش را بیان می‌کند.

بکاری در این داستان نشان می‌دهد که اعمال «حیاء» و شیوه بزه‌کارانه زندگی وی که نقش شخصیت اصلی غیرمستقیم داستان را بازی می‌کند، به گونه بسیار محسوسی تأثیر خود را بر فرزندش به جای گذاشته است؛ بدین سان که اشقر از کودکی فردی بی‌گناه است؛ ولی چون -مثل بسیاری دیگر- دست تقدیر او را در محیطی فسادآلود و ناسالم به دنیا آورده است، متأثر از عوامل اجتماعی و شرایط فرهنگی، به تدریج، به هیولایی خون‌آشام، بزه‌کار و فاسد، هم در جامعه و هم در فرقه داعش، تبدیل می‌شود.

نویسنده در این داستان به عوامل مهم و مؤثری در دگردیسی و تحول منفی قهرمان داستان (الأشقر) اشاره می‌کند؛ از جمله ناشناس‌بودن پدر، نابودی فردیت کودکانه اشقر، فقر مالی و اقتصادی خانواده، بخشی از سنت‌های ارتجاعی، محیط تربیتی و سرانجام بحران رابطه مادر-فرزند که خود متأثر از عوامل یادشده است. بنا به دیدگاه بکاری، هر یک از این عوامل در شکل‌گیری هویت و انواع کنش‌ها، واکنش‌ها و رفتارهای بعدی شخصیت اصلی داستان، به‌نحوی ایفای نقش می‌کنند. وی اما در پایان رمان، به شیوه زیرکانه، ظریف و هوشمندانه‌ای، بحران هویت و طردشدگی اجتماعی اشقر را یکی از علل و عوامل مهم پیوستن او به داعش تلقی می‌کند: امری که بسیاری از اعضای داعش به آن متّصف و با آن دست‌به‌گریبان‌اند.

پرواضح است که هر نویسنده تیزهوشی، بدون هدف و غرض خاصی، هر نام و «عنوانی» را برای اثر ادبی خود برنمی‌گزیند؛ بنابراین، از منظر نشانه‌شناسی، نام هر اثری نمی‌تواند با محتوا و پیام نهایی اثر، بی‌ربط باشد؛ از این رو، مخاطب می‌تواند از طریق آن به بخشی از فحوای نهانی و نهایی متن و نیز پیام اصلی

نویسنده، راه یابد. از این نظر گفته‌اند که «عنوان‌شناسی، بررسی عنوان به مثابه متنی در کنار متن اصلی، مهم‌ترین عنصر نشانه‌شناسی است» (بشیری و آقاجانی کلخوران، ۱۳۹۵: ۱۰۰)؛ زیرا «نشانه زبانی است که در رأس متن قرار می‌گیرد، به آن چارچوب می‌دهد و خواننده را برای خواندن آن جذب می‌کند» (رحیم، ۲۰۱۰: ۳۲۲).

از نظر لئوهوک «عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی متشکل از واژه‌ها و جمله‌هاست که جهت متن را مشخص می‌کند، به محتوای کلی داستان و متن اشاره می‌نماید و مخاطبان را جذب می‌کند» (محمدی و قاسمی دورآبادی، ۱۳۹۵: ۸۱)؛ به عبارت دیگر، «اهتمام نشانه‌شناسی به عنوان، اتفاقی و تصادفی نیست؛ بلکه کلیدی اساسی است که منتقد برای ورود به ژرفنای متن برای کنکاش و تأویل به آن مسلح است» (بخیت و همکاران، ۱۴۳۴: ۲۰). با عنایت به آنچه آمد، نویسندگان در این جستار به دنبال آن هستند تا با بررسی توصیفی - تحلیلی رمان «القاتل الأشقر» و نگاه دقیق به عنوان آن، به سؤالات زیر پاسخ دهند:

- ۱) چه رمزگان‌هایی در عنوان رمان کدگذاری شده است؟
- ۲) عنوان اثر، چه پیوندی با پیام اصلی و نهایی داستان دارد؟
- ۳) چرا نویسنده در این رمان دست به انتخاب این دو واژه زده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های چندی در زمینه عنوان و تحلیل نشانه‌شناسانه عنوان رمان‌ها و آثار ادبی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی عناوین رمان "سه‌گانه" نجیب محفوظ» از فارسی و صیادانی (۱۳۹۵) نگارندگان سعی بر آن داشته‌اند تا با تکیه بر مبنای نشانه‌شناسی (ارتباط دال و مدلول)، عناوین رمان سه‌گانه (بین القصرین، قصرالشوق و السکره) نجیب محفوظ را مورد بررسی قرار دهند.

نعمتی و جدیدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی عنوان در شعر احمد مطر بر اساس دیدگاه سوسور» به بررسی عنوان در اشعار احمد مطر پرداخته‌اند. تحلیل نشانه‌شناختی اشعار نشان می‌دهد که عناوین شعری مطر، به مثابه متنی موازی با متن اصلی قرار گرفته و به واسطه محور جانشینی با نشانه‌های به‌کاررفته در متن تقویت شده است.

مقاله «نشانه‌شناسی عناوین رمان "سه‌گانه" نجیب محفوظ» از فارسی و صیادانی (۱۳۹۵) نیز از این دست است که در آن، نگارندگان سعی بر آن داشته‌اند تا با تکیه بر مبنای نشانه‌شناسی (ارتباط دال و مدلول)، عناوین رمان سه‌گانه (بین القصرین، قصرالشوق و السکره) نجیب محفوظ را مورد بررسی قرار دهند و به این مسئله مهم بپردازند که غرض اصلی نجیب محفوظ از انتخاب این عناوین که در حقیقت اسامی محله‌های قاهره هستند، چیست؟

اما در زمینه پژوهش‌های رمان القاتل الأشقر، می‌توان به مقاله‌ای از محمد الساهل (۲۰۱۹م) با عنوان «استطیقا الامتصاص والتحویل فی الروایة العربیة روایة "القاتل الأشقر" لطارق بکاری أنموذجاً» اشاره کرد که در آن، نویسنده وجوه بینامتنی روایی و دگرگونی آن، به‌ویژه از افسانه شهرزاد را مورد بررسی قرار داده است. با این همه، به گمان نگارندگان، تاکنون پژوهشی با عنوان حاضر و در بررسی داستان «القاتل الأشقر» و تحلیل نشانه‌شناسانه عنوان صورت نپذیرفته است؛ از این‌رو، در این جستار بر آنیم تا با پرداختن به این داستان و تحلیل آن، به مفاهیم نهفته و برجسته در آن پی ببریم.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. عنوان و پیوند آن با نشانه‌ها

عنوان از مهم‌ترین نشانه‌ها در یک اثر ادبی است. «عنوان» یک اثر ادبی، به مثابه هویت آن اثر تلقی می‌شود؛ هر نویسنده هوشمند و زیرکی می‌کوشد تا با انتخاب «عنوانی» زیبا، هدفمند، جذاب و سمبلیک، بخش کثیری از مفاهیم، مقصود، فضای عمومی و نیز پیام اصلی اثر خود را در عنوان و طرح روی جلد اثر خود، به مخاطب/ مخاطبان منعکس و منتقل سازد؛ یعنی، یک دنیا حرف، سخن و پیام خود را در قالب یک عنوان کوتاه یا یک طرح گرافیکی سمبلیک و رازآلود بیان می‌کند.

«عنوان همچون پلی است که متن و نویسنده را با مخاطب روبه‌رو می‌کند. همچنین، علم روان‌شناسی، عنوان را معادلی برای متن اصلی و عجین شده با آن می‌داند» (محمد العبیدی، ۲۰۰۹: ۶۲) به تعبیری روشن‌تر و گویاتر، «عنوان، اساسی است که متن بر روی آن بنا می‌شود؛ اگرچه در مواردی ممکن است عنوان کوتاه باشد که در این صورت، ناچار باید قرائنی فوق لغوی وجود داشته باشد که بر متن دلالت کند» (الحمدادی، ۲۰۱۵: ۲۷-۲۸).

«علم نشانه‌شناسی، عنوان را معادلی برای متن اصلی و عجین شده با آن می‌داند» (همان: ۶۵) و آن را یک نشانه لغوی به حساب می‌آورد که بالاتر از متن قرار دارد و نام‌گذاری متن، چارچوب‌بندی و ترغیب خواننده به خواندن متن را از اهداف آن برمی‌شمارد» (رحیم، ۲۰۰۸: ۳۲۳).

«در واقع عنوان از یک نشانه زبانی و نشانه‌شناسی تعبیر می‌کند که غالباً در آغاز متن قرار دارد. عنوان یک وظیفه تعیین‌کننده و یک وظیفه ارشادگری دارد که در هنگام رویارویی با متن و لذت‌بردن از عناصر هنری و عناصر زیبایی‌شناسی آن، مخاطب را همراهی می‌کند... عنوان واجد یک ساختار عام است که قابلیت تحلیل، تفسیر، فهم و تشخیص را داراست» (محمد العبیدی، ۲۰۰۹: ۶۳).

به‌طورکلی در مورد عنوان آثار داستانی می‌توان گفت «عنوان، در کلیت داستان، سه نقش متفاوت می‌گیرد: ۱- برچسبی بر داستان و مانند نام شخصیت‌ها، آشکارکننده هویت داستان است. نویسنده به کمک آن، داستان خود را از سایر داستان‌ها متمایز می‌کند و در جلب نظر خواننده نقش مؤثری دارد» (یونسی،

۱۳۸۲: ۱۰۸)؛ ۲- عنوان، بیشترین دلالت بر معنای متن را دارد؛ منتها به صورت نمادین و تمثیلی» (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۲۵-۲۲۶)؛ ۳- «در مواردی نیز اسم داستان سرنخ خوبی به ما می‌دهد تا پیام داستان را پیدا کنیم» (پرین، ۱۳۹۰: ۷۰).

با عنایت به آنچه گذشت، در بخش‌های بعد، عنوان رمان «القاتل الأشقر» در دو سطح مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ سطح نخست: عنوان همچون یک ساختار مستقل در دو سطح نحوی و معجمی؛ سطح دوم: عنوان همچون یک ساختار موازی با متن در سطح معنایی.

۲-۲. خلاصه رمان القاتل الأشقر

داستان با روایت هتک عفت «حیاء» مادر اشقر در زمان کودکی، توسط زنی مرموز و به شیوه‌ای خاص، آغاز می‌شود. وی پس از این ضربه و لطمه روحی، قید ازدواج را در زندگی خود می‌زند و برای رهایی از فضای فرهنگ سنتی بسیار سخت‌گیرانه و خاص حاکم بر روستا، به شهر می‌گریزد.

او در شهر، شیوه بزه‌کارانه‌ای را در پیش می‌گیرد؛ تا جایی که مجبور می‌شود با یازده مرد ناشناس، ارتباط نامشروع برقرار کند که ماحصل این ارتباطات نامشروع، تولد دو پسر دوقلو است (که یکی از آنها اشقر، شخصیت اصلی داستان است) حیاء، بر اثر این لطمه روحی شدید، کمر به قتل مردانی می‌بندد که با وی ارتباط داشته‌اند. رفتارهای ناهنجار و در عین حال آمیخته به خشونت و بی‌رحمی حیاء، تأثیر بسیار بد خود را بر شخصیت اصلی داستان (اشقر) می‌گذارد؛ تا جایی که با گذشت زمان و طی یک پروسه معین، او را به یک جانی بی‌رحم و خون‌آشام تبدیل می‌کند.

داستان، پس از فاش شدن ویدیویی از ارتباط شامه (معشوقه اشقر) و برادر دوقلوی اشقر، وارد مسیری دیگر می‌شود. بدین ترتیب که وی به قتل شامه مصمم می‌شود به همان شیوه‌ای که مادرش (حیاء)، مرتکب قتل‌ها می‌شد، شامه را بکشد. پس از این قتل، اشقر فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد و خود را در منجلاب ارتباط‌های فاسد با چندین زن آفریقایی و اروپایی غرق می‌سازد. او، پس از تعقیب و گریزها و دربه‌داری‌های بسیار، سرانجام، نخست سر از اردوگاه «القاعده» درمی‌آورد و سپس، با طی مراحل ارتقای تشکیلاتی، به فردی مورد اعتماد و اطمینان و قاتلی بالفطره، در کنار «الأخ الکبیر»، از رهبران داعش، تبدیل می‌شود.

۲-۳. تحلیل نشانه‌های موجود در عنوان رمان «القاتل الأشقر»

۲-۳-۱. سطح نحوی و لغوی «القاتل الأشقر»

عنوان رمان «القاتل الأشقر»، بی تردید، عنوانی رمزآمیز است؛ از این رو، برای تبیین معانی نهفته در آن، نخست باید به معانی لغوی این ترکیب وصفی پرداخت: این عنوان متشکل از دو واژه «القاتل» و «الأشقر» است. بدیهی است که ریشه «القاتل» «قتل» است که در لغت، به معنی ازاله روح از بدن است و این عملی است که به دست قاتل انجام می‌گیرد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۵). همچنین این کلمه، به معنای از بین رفتن زندگی است. در واقع، به عملی اطلاق می‌شود که زندگی و حیات از انسان گرفته و به مرگ شخص منجر شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹۳/۹).

کلمه «أشقر» نیز در لغت به معنای هر پدیده و کسی است که سرخ مایل به زرد باشد. این دو صفت، از نظر صرفی، با «ال» عهد آمده، از نظر نویسنده، بر فردی شناخته شده اشاره می‌کند که همان شخصیت اصلی داستان است؛ به عبارت دیگر، این ترکیب وصفی، لقب مشهور شخصیت اصلی داستان است؛ و احتمال دیگر آن است که نویسنده، «ال» را به عنوان الف و لام جنس به کار برده باشد؛ یعنی در مفهومی کلی که بر همه کسانی که با این خصوصیات در جامعه هستند، دلالت کند.

نکته قابل تأمل در این عنوان، تقدیم واژه موصوف (القاتل) بر «الأشقر» است؛ که بیانگر آن است که قاتل بودن و قتل کردن، یک ویژگی اکتسابی است که از طریق تجربه، آموزش و پروسه حوادث زندگی به دست می‌آید و آشقر، آن را از طریق تجربه زندگی و حوادثی که از سر گذرانده، کسب نموده است؛ به سخن دیگر، به نظر می‌رسد که این ویژگی، پیش از بزرگ شدن او و در گذر زمان و چالش‌های زندگی، در وی شکل گرفته است. از سوی دیگر، آشقر (سرخ‌مو) بودن، به عنوان یک صفت غیراکتسابی، در دوران جنینی همراه او بوده است. از این رو، با توجه به غیراکتسابی بودن این ویژگی، نویسنده، عقلاً باید این ویژگی را بر صفت قاتل بودن مقدم می‌کرد؛ اما به طور قطع، این تأخیر و نیز تقدیم واژه «القاتل» با هدف و غایتی از سوی نویسنده همراه است که حوادث داستان و روند شکل‌گیری شخصیت آشقر آن را تبیین و تأیید می‌کند. کوتاه سخن آنکه بکاری به دنبال آن بوده است تا نشان دهد که قاتل بودن، نه فقط بر اثر شرایط حاکم بر زندگی آشقر؛ بلکه ویژگی فطری است که پیش از تولد و از طریق ویژگی‌های ارثی به او رسیده است و به نوعی، سرنوشت وی برای قاتل بودن، از پیش تعیین شده است (نوعی تقدیرگرایی یا جبرگرایی که البته محل مناقشه است).

نکته بلاغی قابل تأمل دیگر، حذف مبتدای این خبر است (فلان القاتل الأشقر)؛ زیرا «از جمله اغراضی که برای هر حذفی می‌توان برشمرد، کوشش ذهن برای دریافت محذوف است. در حقیقت، ستردگی در کلام، استنباط ذهن را می‌طلبد تا با این تکاپوی ذهن، تقدیر محذوف به دست آید؛ گویا این که اگر محذوف ذکر گردد، ذهن تنها به آن اکتفا می‌کند» (خطیب قزوینی، ۲۰۰۳: ۱۴۷). افزون بر آن، چون این عنوان به «ال» معرفه شده، در وجهی ضعیف‌تر، می‌توان خبر را محذوف دانست (القاتل الأشقر فلان). پرواضح است که همین امر، انگیزه مخاطب را برای کنکاش و کنجکاوی بیشتر نسبت به متن داستان و پیام آن تقویت می‌کند؛

یعنی اگر مبتدا را بدانیم و خبرش را محذوف تلقی کنیم، در این صورت، فضا را برای در تقدیر گرفتن هر خبری در اختیار خواننده قرار می‌دهد. برای نمونه می‌توان گفت که: «القاتل الأشقر» در اینجا مبتدا و متن کلی داستان و معرفی شخصیت و حوادثی که دلیل اطلاق این دو صفت بر اوست، خبر محذوف است. علاوه بر این، عنوان رمان حاوی سؤالی مربوط به «کیستی» است که تلاش برای فهم آن نکته‌ای جذاب به شمار می‌رود. بدین ترتیب، خواننده با مشاهده این عنوان جذاب، به سمت داستان کشیده می‌شود؛ چرا که در پی کشف دلایلی است که رمان به وسیله آن، متصف به این عنوان شده است و اگر آن را خبر برای مبتدایی محذوف قلمداد نماییم؛ مثلاً (هذا) (هذا رواية القاتل الأشقر)؛ در این حالت، خواننده برای خواندن رمان و حوادث آن ترغیب می‌شود. به هر روی، برای فهم هدف اصلی بکاری از انتخاب این عنوان و نشانه‌های پنهان در آن، لازم است که نخست روند داستان و مسیر شکل‌گیری شخصیت اشقر مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه برای درک موضوع (عنوان) فراهم آید.

۲-۳-۲. سطح معنایی «القاتل الأشقر»

رفتارهای اشقر، تا حد زیادی متأثر از رفتارها و کنش‌های مادر اوست. از این‌رو، برای فهم بهتر رفتار وی باید اعمال و رفتارهای حیا را تبیین کرد. بدیهی است که حیا در دوران کودکی، طی حادثه‌ای تلخ، عفت و عزتش مورد تعرض قرار گرفته و آن را از دست داده است. این امر و حادثه شوم، باعث ریشه‌گرفتن و قوی‌شدن بزرگترین عقده روانی در وجود او می‌گردد. او با توجه به این فاجعه، از یک‌سو، برای همیشه و علی‌رغم خواستگاران مختلف، قید ازدواج را می‌زند؛ و از دیگر سو، برای جبران و تشفی عقده‌های روانی خود، تصمیم می‌گیرد تا با قتل مردانی که با وی رابطه نامشروع برقرار کرده‌اند، انتقامی سخت و احساساتی بگیرد تا بدین طریق، کینه‌ها، غم‌ها، دردها و زخم‌های روحی و روانی خود را التیام ببخشد. نکته جالب توجه آن است که او این کار را دقیقاً به همان صورتی انجام می‌دهد که در کودکی به وسیله زن مرموز داستان در قبال او انجام شده است: «لَقَدْ وَجَدَ رِجَالَ الدَّرَكِ الْجُثَّةَ عَارِيَةً وَمَطْعُونَةً إِحْدَى عَشْرَةَ طَعْنَةً بِمَا فِيهَا طَعْنَةٌ فَقَاتَتِ الْعَيْنَ الْيُسْرَى. وَكَانَتْ تَكْسُو الْجُثَّةَ قَطْرَاتُ الشَّمْعِ وَقَدْ يَبَسَتْ وَصَارَتْ أَقْرَاصاً صَغِيرَةً» (بکاری، ۲۰۱۹: ۵۷).

حیا نه تنها سرمشق‌های رفتاری مناسب و مطلوبی برای فرزند خود به نمایش نمی‌گذارد؛ بلکه، بسیاری از اعمال ناپسند و صفات زشت خود را نیز ناخواسته به فرزندش منتقل می‌سازد؛ تا جایی که ضمن آنکه رفتارها و ناهنجاری‌های بیگانه با وظایف مادری و عاطفی حیا، موجب نوعی آشنایی‌زدایی از تصویر مادرانه در ذهن و رفتار فرزندش اشقر می‌شود و افزون بر آن، بخشی از کودکی و روند شکل‌گیری شخصیت اشقر نیز تحت تأثیر رفتارهای زشت مادرش قرار می‌گیرد.

زندگی و رفتارهای اشقر با اعمال مادرش، پیوند می‌خورد و متأثر از او می‌شود؛ زیرا در روند حوادث داستان، شباهت‌های زیادی در سبک و نحوه زندگی بزه‌کارانه این دو به چشم می‌خورد؛ مثلاً پس از فاش شدن

رابطه پنهانی شامه با برادر دوقلوی اشقر، نخستین واکنش اشقر، گرفتن انتقام از اوست؛ تا جایی که این انتقام، بخش قابل توجهی از روند و حوادث داستان را به خود اختصاص می‌دهد. بدین سان که اشقر تصمیم می‌گیرد برای تسکین این آسیب روحی و ضربه عاطفی، شامه را به قتل برساند و او، این کار را دقیقاً به همان شکلی انجام می‌دهد که مادرش، قتل‌های سریالی خود را انجام می‌داد: «رَشِقْتُ صَدْرَهَا بِالْمِدِيَةِ تَسَعِ مَرَاتٍ... بَعْدَ الطَّعْنَةِ التَّاسِعَةِ (العاشرة باحتساب الطَّعْنَةِ الْأُولَى) اسْتَحَالَتْ جَنَّةً هَامِدَةً. كَانَتْ الطَّعْنَةُ الْحَادِي عَشْرَ فِي عَيْنِهَا. قَطَّرْتُ عَلَى جَسَدِهَا الشَّمْعَ عَلَى غَرَارٍ مَا تَفَعَّلُهُ حَيَاةٌ» (همان، ۱۱۹).

این تغییرات در اشقر، نه به صورت ناگهانی و دفعی؛ بلکه با انگیزه‌ای به نام "انتقام" انجام می‌گیرد. نکته قابل تأمل در روال قتل‌ها، این است که حیا تنها به قتل مردان اقدام می‌کند؛ اما نخستین جرقه برای تبدیل شدن اشقر به یک جانی، کشتن معشوقه خود است. شایان توجه است که اشقر که رفتار و شخصیت خود را متأثر از شخصیت و اعمال مادرش تلقی می‌کند، در ابتدا تصمیم می‌گیرد مادرش را نیز درگیر همین انتقام کند؛ از این رو حیا به اتهام کشتن شامه به زندان می‌افتد؛ اما از آنجا که هنوز نشانه‌هایی از دل‌بستگی به مادر در اشقر دیده می‌شود، احساس ناراحتی و پشیمانی می‌کند و تصمیم می‌گیرد برای رهایی مادرش از زندان، چاره‌ای بیاندیشد. وی برای این کار، در تصمیمی عجیب، به دنبال یک قربانی می‌گردد تا او را به همان شیوه خاص به قتل برساند و سوءظن نسبت به مادرش را از میان ببرد. او برای این منظور، «ودیع» را که پزشکان از او قطع امید کرده بودند، شایسته‌ترین فرد می‌داند؛ بنابراین، ناگزیر، بار دیگر دست به قتل می‌زند و ودیع را نیز به همان شیوه معمول به قتل می‌رساند. بدین ترتیب، بخشی از اعمال بزهکارانه حیا، صورتی عینی در رفتار اشقر پیدا می‌کند و اشقر از جوانی بی‌گناه، تبدیل به یک قاتل می‌شود؛ چرا که او به جای دریافت مهر مادری از حیا، استعداد مرتکب شدن بدترین جرم‌ها را به ارث برده است و در واقع، قربانی سرنوشتی است که مادرش برای او رقم زده است: «أَنَّ حَيَاةَ، الـ «ماما» حَيَاةَ، قَدْ أَوْرَثْتَنِي إِلَى جَانِبِ جُنُونِهَا وَفِصَامِهَا، قُدْرَتِهَا الرَّهِيْبَةِ عَلَى اقْتِرَافِ أَعْتَى الْجَرَائِمِ» (همان، ۱۱۹ - ۱۲۰)؛ «أُمِّي، يَا وَليد! أَلْهَمْتَنِي شُجَاعَةً أَنْ أَقْتَلَ شَامَةَ عَلَى طَرِيقِهَا وَأَعْيَشَ عَلَى طَرِيقِهَا بَطَّةً نَاصِعَةً الْبِيَاضَ فِي مُسْتَنْقِعِ آسِنِ» (همان، ۱۲۰).

شخصیت اشقر متأثر از عوامل متعددی است که در تغییر شخصیت او نقش داشتند. از صرف یک قربانی که نویسنده در پی ترسیم چهره او بود، به تدریج، تبدیل به قاتلی بالفطره می‌شود که نه تنها از اعمال خود احساس پشیمانی نمی‌کند؛ بلکه با افتخار از اعمال خود نیز دفاع می‌کند: «بِالنِّسْبَةِ إِلَى الْحَيَاةِ يَا وَليد! فَإِنَّهَا بِقَدْرِ مَا اسْتَنْزَفَنِي اسْتَنْزَفَتْهَا. لَا أَحْمِلُ فِي قَلْبِي أَسْفًا عَلَى شَيْءٍ أَوْ أَحَدٍ... لَنْ أَحْسِرَ فُرْصَتِي فِي الْحَيَاةِ وَلَوْ قَتَلْتُ فِي طَرِيقِي إِلَى ذَلِكَ أَلْفَ بَرِيءٍ» (همان: ۲۹).

به هر روی، خواننده با نگاه به عنوان این اثر، ممکن است با چند پرسش جدی مواجه شود؛ از جمله: منظور از «القاتل الأشقر» کیست؟ آیا این عنوان تنها متعلق به شخصیت اصلی داستان است؟ این رمان درباره چه کس یا چه کسانی است؟ آیا عنوان برگزیده تنها دارای معنای ظاهری است؟ که برای پاسخگویی به آن،

ناچار باید به متن اثر مراجعه کرد. واژه «القاتل»، علاوه بر معنای ظاهری که در سطرهای پیشین به آن اشاره شد، دارای پاره‌ای از معانی نمادین و مجازی است و در قالبی از نشانه‌ها نیز به کار رفته است؛ بنابراین، واژه «القاتل»، به‌عنوان دال، تک‌معنایی نیست و دارای سطوح بالاتری از معنا و مدلول‌های گوناگون است و صرفاً بر شخصیت اصلی داستان که همان أشقر است، اشاره ندارد. از این‌رو این کلمه را باید از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد.

نخستین مدلول این لفظ، می‌تواند عوامل و آسیب‌هایی باشد که به‌شدت زندگی أشقر را تحت تأثیر قرار داده و ریشه‌های انحراف را در او دوانده و سبب نابودی شخصیت وی شده است؛ بنابراین، واژه «القاتل»، در معنای مجازی و با قرینۀ اسناد آنچه برای فاعل بنا شده است به مفعول آمده است. از این‌رو این واژه را باید از این منظر مورد بحث و بررسی قرار داد.

یکی از این عوامل، آسیب‌هایی است که در دوران کودکی به او رسیده است. کودکی أشقر، متأثر از محیط غرق در فسادی که در آن به دنیا آمده و بزرگ شده، دچار آسیبی هولناک شده است. اتفاقاتی که از نگاه أشقر، کودکی معصومانه او و بخش اعظمی از شخصیت و هویت او را نابود ساخته و سبب تحقیر او شده است. وی محیط زندگی ناسالم خود و تأثیرات سوء آن در شخصیت کودکی و اعمال خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «وُلِدْتُ، يَا وَلِيدًا! فِي مُسْتَنْقِعِ آسِنٍ، اسْتَجَلَبْتُ لَهُ مِياهُهُ الرَّاكِدَةُ كُلَّ ضَفْدَعَةٍ تَافِهَةٍ وَكُلَّ حَسْرَةٍ أَوْ بَعْوَصَةٍ تَائِهَةٍ» (همان: ۶۴).

محیطی که أشقر در آن زندگی کرده، اثرات جبران‌ناپذیری به کودکی وی وارد کرده و نقش به‌سزایی در تخریب شخصیت و هویت فردی او داشته است؛ أشقر در بخشی دیگر از داستان، به آزار جنسی که از سوی منانه مادر شامه به او رسیده است، اشاره می‌کند که همین امر نیز تأثیرات کشنده خود را در رفتار آینده او به جای می‌گذارد: «يَجِدُرُ بِي أَنْ أُحِيطَكَ عِلْمًا بَأَنِّي تَعَرَّضْتُ طِفْلًا مِنْ قَبْلِ خَمْسِ عَاهِرَاتٍ مِنْ بَيْنِهِنَّ مَنَانَةَ، وَالِدَةُ شَامَةَ» (همان: ۷۶).

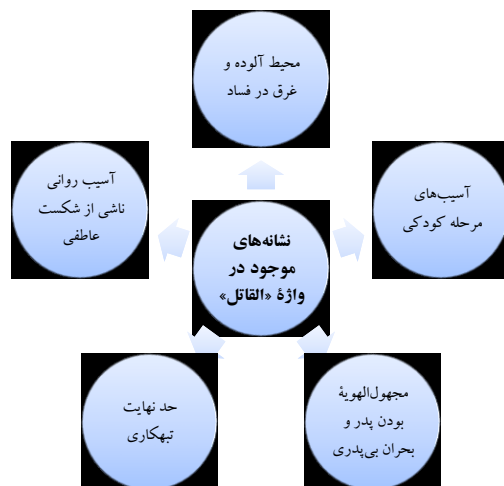
واژه «القاتل»، همچنین می‌تواند اشاره به مفهوم گُشنده یا به‌عبارتی نابودگر هویت فردی و اجتماعی أشقر نیز باشد که در پیوند و ارتباط با مسئله ناشناس بودن پدر، مفهوم می‌یابد. بحران ناشناس بودن هویت پدر، بخش قابل‌توجهی از شخصیت و هویت أشقر را مورد آسیب قرار می‌دهد و نوعی عقده روانی را در او ایجاد می‌کند: «عَنْ هُوَيَّةِ الْأَبِ تَقُولُ حَيَاةُ إِنِّهَا لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَقْتَرِي عَلَى أَحَدٍ، وَتَدَّعِي أَنَّنَا نَسْتَسِبُّ إِلَيْهِ. الْغَرِيبُ، تَقُولُ، إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مِنْ ضِمْنِ مَنْ تَنَاقَبُوا عَلَيْهِا رَجُلٌ أَشْقَرُ» (همان: ۶۰). به عبارتی، عقده روانی ناشی از نبود پدر، ضربه شدیدی بر شخصیت اجتماعی أشقر وارد کرده است؛ تا جایی که او را وامی‌دارد در جستجوی هویت گم‌شده بگردد؛ اما هر بار با شکست مواجه می‌شود؛ چرا که هیچ وجهه مشترکی میان خود و پدر فرضی نمی‌بیند و پیوسته در پی اثبات این مهم است: «كَانَ ظَهْوُ ذَلِكَ الرَّجُلِ حَدَثًا مُهِمًّا فِي تَارِيخِي الشَّخْصِي، فَبِالإِضَافَةِ إِلَى أَنَّهُ أَجَجَّ

غِيَابُ عُقْدَةِ الْأَبِّ، فَتَحَ أَمَامِي بَاباً لَا أَعْتَمِدُ أَنَّهُ كَانَ لِيَنْفَتِحَ لِي لَوْلَاهُ» (همان: ۷۷)؛ «قَالَتْ إِنَّهُ كَانَ وَاحِداً مِنْ رِجَالِ قَائِمِيهَا وَاحِداً مِنَ الْأَحَدِ عَشَرَ أَبَا مُفْتَرَضاً» (همان: ۷۶).

افزون بر این، شکست عاطفی آشقر نیز آسیب‌های روانی شدیدی بر شخصیت او وارد می‌کند و موجی از بی‌اعتمادی را در وی شکل می‌دهد. این شکست عاطفی و خیانت شامه، بار سنگینی بر دوش آشقر می‌گذارد و اعتماد او را نسبت به تمام افراد پیرامونش خدشه‌دار می‌کند. به تعبیری، کشتن، در اینجا به شرمساری و حیثیت از دست‌رفته آشقر دلالت دارد که همین امر، زمینه ارتکاب وحشتناک‌ترین جرم‌ها را در وی به وجود آورد: «لَمْ أَنْسِ الْجِرْحَ الْغَائِرَ الرَّاقِدَ فِي الْأَعْمَاقِ وَلَا حِقْدِي الْعَارِمَ عَلَى الْخُونَةِ، لِأَنِّي فَقَدْتُ إِيْمَانِي بِالْحَيَاةِ، بِالْعَائِلَةِ، بِالْأَخْلَاقِ وَالْقِيَمِ فَقَدْ كُنْتُ مُسْتَعْدِداً لِأَقْتَرِفَ أَشْنَعَ الْجَرَائِمِ بِدَمٍ بَارِدٍ» (همان: ۱۰۷).

بر این اساس، نویسنده روند تبدیل شدن شخصیت اصلی داستان به قاتلی خون‌خوار و وارد شدن او به گروهک تروریستی داعش را در ترتیب و توالی سلسله‌ای از اعمال نشان می‌دهد؛ لیکن، ویژگی قاتل بودن آشقر، به‌ویژه پس از پیوستن او به داعش، رنگ دیگری به خود می‌گیرد و در جهت تسکین عقده‌های روانی‌ای صورت می‌گیرد که وی سال‌ها از آن رنج برده است و در حقیقت، حرکتی در جهت انتقام از تمام کسانی است که آن‌ها را عامل مصیبت خود می‌داند و شخصیت شکل‌گرفته کنونی‌اش را دسترنج آنان می‌داند: «تَحَوَّلَ التَّفَكِيرُ فِي الثَّأْرِ إِلَى هَوَسٍ، وَالْهَوَسُ إِلَى تَخْطِيطٍ... كَانَ الْأَمْرُ الْوَحِيدُ الَّذِي يُقَلِّلُ مِنْ وَطْءِ الْأَلَامِ النَّفْسِيَّةِ، الَّتِي لَا أَنْفَكُ أَكَابِدُهَا صَبَاحَ مَسَاءٍ، هُوَ التَّفَكِيرُ الْمُمْضُ فِي أَنْ أَهْتَدِيَ إِلَى طَرِيقَةٍ أَنْتَقِمُ بِهَا مِنْ كُلِّ أَوْلِيكَ الَّذِينَ دَفَّوْا فِي الْقَلْبِ مَسَامِيرَهُمْ» (همان: ۱۰۸).

در نگاهی کلی، بکاری از آشقر چهره فردی آسیب‌دیده را به نمایش می‌گذارد که شرایط هولناک اجتماعی و خانوادگی، ریشه تمام اخلاقیات را در او خشکانده و محدودیتی برای مرتکب شدن هر جنایتی برای خود باقی نگذاشته است. نکته جالب در برگزیدن این واژه از سوی نویسنده، ارتباط دادن چنین شخصیتی به داعش و حوادث مربوط به آن است که نویسنده از طریق آن، به دنبال نشان دادن این نکته است که هر کدام از کسانی که در آن حضور دارند، دنیایی از جنایات را پشت سر گذاشته‌اند که آن‌ها را به قتل و کشتار سوق می‌دهد و کشتارهایی که در داعش رخ می‌دهد، بیش از آنکه هدف مذکور را توجیه کند، به خاطر انتقام است. در زیر مهم‌ترین نشانه‌ها و مدلول‌های موجود در واژه «القاتل»، در قالب نمودار به نمایش گذاشته شده است.



نمودار (۱) - نشانه‌های موجود در واژه القاتل

واژه «الأشقر» نیز، به‌عنوان صفتی برای کلمه «القاتل» به کار رفته است. هم‌نشینی کلمه «الأشقر» با واژه «القاتل»، در معنی نخستین خود دلالت بر قاتلی دارد که با این رنگ مو جلوه پیدا کرده است؛ اما این واژه، و رای معنای ظاهری خود، در بر دارنده مفاهیم و معانی‌ای است که بکاری با ظرافت خاصی آن را در عنوان اثر گنجانده است. این کلمه، با توجه به متن داستان، دارای دو بار معنایی مثبت و منفی است و از آنجا که وجهه منفی آن غالب است، نخست از این منظر به آن می‌نگریم.

در پس ارتباط‌های نامشروع حیا با مردانی بی‌بندوبار، «أشقری» زاده می‌شود که تا آخر عمر داغ ننگ ناشی از نامشروع‌بودن را با خود حمل می‌کند. این امر با نوعی احساس حقارت در آشقر همراه است و زمینه را برای انجام انواع انحرافات اخلاقی در وی فراهم می‌آورد؛ به‌طوری‌که بار دیگر او آیینی‌ای تمام‌نما از رفتار حیا می‌شود. امری که خود نیز به این امر اذعان می‌کند: «أَنْنِي وَرَثْتُ مِنْ حَيَاةِ عَهْرَهَا كَذَلِكَ. كُنْتُ عَاهِرًا أَمْنَحُ جَسَدِي مَنْ تَشْتَهِيهِ مِنْ دُونِ حَبِّ» (همان: ۱۶۰)؛ «كُنْتُ عَاهِرًا أَقْتَفِي سِيرَةَ حَيَاةِ وَأَسْتَلِدُّ الْأَمْرَ وَأَزْهُو كَدِيكَ يَرْفُلُ فِي أَلْوَانِهِ» (همان: ۱۶۱).

بدیهی است که همین نامشروع‌بودن آشقر و تفاوت او با دیگران، سبب ایجاد نوعی احساس سرشکستگی در او شده است. او از جایگاهی که در آن قرار دارد، نه‌تنها احساس رضایت نمی‌کند؛ بلکه این امر، تا حد زیادی با احساس حقارت و خودکم‌بینی در او همراه است؛ بنابراین، می‌توان گفت این صفت، در حقیقت به یک ویژگی جدانشدنی از هویت آشقر اشاره دارد که تا آخر سبب آزار او شده است: «لَسْتُ أَكْثَرَ مِنْ ابْنِ عَاهِرَةٍ لَا يَعْرِفُ أَيُّ كَلْبٍ أَوْرَثَهُ هَذِهِ الشُّقْرَةَ وَمِضَى» (همان: ۲۱۱).

این واژه، همچنین دارای معنای رمزی دیگری است که ارتباط و همنشینی اش با واژه «القاتل» آن را توجیه می‌کند. اَشْقَر از شخصیتی دل‌باخته در ابتدای داستان، تبدیل به قاتلی خون‌آشام می‌شود و بنا بر یک تأویل، می‌توان گفت که نویسنده از آن جهت که کثرت شرارت و خونریزی در وی را نشان دهد، واژه «الأشقر» را برگزیده است، تا به وسیله آن، در حقیقت، در پی نشان دادن مبالغه‌آمیز شدت خونریز بودن او است؛ به طوری که خون سراسر وجود او را گرفته است و همچون مویی سرخ تمام جسم او را فرا گرفته است. به تعبیری، قتل و کشتار، چنان در وی رسوخ کرده است که گویی بخشی از وجود اوست و وی احساس پشیمانی از آن ندارد. تشبیه کشتار به بازی در گفتار زیر، تصدیقی بر این مدعا است: «۱۲۴ هَذَا كُلُّ نَصِيْبِي مِنَ لُعْبَةِ الْإِبَادَةِ» (همان: ۱۱۱).

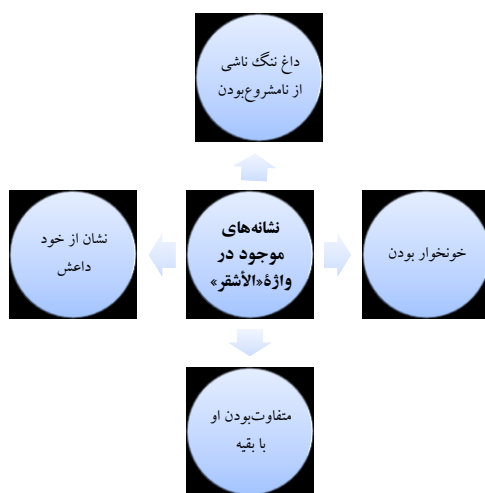
افزون بر این، این صفت با زندگی اَشْقَر که سراسر فسق و فجور و جرم و جنایت بوده، گره خورده است. راه یافتن او به گروه تروریستی داعش، در حقیقت پیوندی هوشمندانه از سوی نویسنده میان شخصیت اَشْقَر با کسانی است که به داعش می‌پیوندند و این عنوان می‌تواند، نه بر خود شخص اصلی داستان، بلکه بر همه کسانی که در داعش هستند، اطلاق شود و در حقیقت، مفهومی کلی از خونخوار بودن تمام داعشیان باشد که بکاری هوشمندانه به آن اشاره کرده است: «بِاسْمِ فَضِيْلَةٍ اِنْقَاذِ اُمِّي تَجَرَّأْتُ عَلٰى قَتْلِ وِدِيْعٍ وَاِسْمِ فَضِيْلَةٍ مَرْعُوْمَةٍ هَا نَحْنُ نَقْتُلُ كُلَّ يَوْمٍ عَشْرَاتِ الْاَبْرِيَاءِ. لَيْسَ حُبًّا فِي الْجَنَّةِ وَلَا خَوْفًا مِنَ النَّارِ وَلٰكِنْ لَّانَّ كُلَّ وَاَحِدٍ مِّنَّا يَحْسُبُ اِنَّهُ قَدْ اَصْبَحَ لَدَيْهِ مُبَرَّرٌ لِيُمِيْطَ اللَّئَامَ عَنِ الْوَحْشِ فِيْهِ» (همان: ۱۳۹).

از سوی دیگر، نویسنده با انتخاب این واژه، تعریضی به اصل و بنیاد هویتی جریان تکفیری داعش می‌زند و این مهم، به حضور اروپایی‌ها و بیگانگانی از کشورهای غیراسلامی در میان صفوف تکفیری‌ها اشاره دارد. از آنجا که غالب مردم در نواحی مختلف آفریقا و به خصوص کشور مراکش سیاه‌پوست هستند، بکاری با برگزیدن این واژه، بر بی‌ریشگی و بیگانه نشان دادن داعش تأکید دارد.

علاوه بر این، با توجه به آنچه در ابتدای تحلیل این واژه بیان شد، نویسنده در کنار وجه منفی «الأشقر»، به وجه مثبت واژه نیز توجه داشته است. برای نمونه، علی‌رغم ویژگی قتل، مرگ و نشان‌دار کردن اجساد که توسط «الاشقر» انجام می‌شد، بکاری می‌کوشد تا چهره خاص و منحصر به فردی از این شخصیت به نمایش بگذارد و بارها تصویری مثبت از او ترسیم کند که به هیچ وجه شباهتی به قاتلی جانی ندارد. وی در این داستان، تصویر فردی تحصیل کرده را به اَشْقَر می‌بخشد که در برخی از سخنرانی‌های دانشگاه شرکت می‌کند و به سخنان کسی که معتقد است، پدرش است، گوش می‌دهد. همچنین، او عاشق شعر است و بسیار به حفظ کردن آن علاقه دارد. به موسیقی و سونات‌های زیبای ویوالدی و چایکوفسکی گوش می‌دهد. علاوه بر این، وی معتقد است که زنان جایگاه ویژه خود را دارند و باید به آن‌ها احترام گذاشت و به همین دلیل، زنان زیبایی را که پس از فتوای جهاد نکاح از اقصی نقاط دنیا آمده بودند، رد می‌کرد؛ زیرا به نظر او، این امر حقیقت روابط انسانی را تحقیر می‌کند. اَشْقَر همچنین خواننده پرشور

رمان‌های عربی و بین‌المللی است. او داستان‌های معروفی از داستایوفسکی، سوران و بسیاری دیگر را می‌خواند؛ بنابراین، آشقر در هر جنبه از شخصیتش، انسانی خاص است که نویسنده به دنبال بیان همین تفاوت است و انتخاب واژه «الأشقر» نیز با این هدف است. به عبارتی، این استدلال نیز بخشی دیگر از تیزهوشی بکاری در ترسیم فضای حاکم بر جریان‌های افراطی، همچون داعش، را نمایان می‌کند. او با خلق شخصیتی همچون آشقر، نشان می‌دهد که علاوه بر قشر عامه و بی‌سوادی که بعضاً از روی ناآگاهی یا فریب و وحشت به این‌گونه فرقه‌ها پیوسته‌اند، در میان آن‌ها افراد باسوادی نیز به چشم می‌خورد که در منجلاب توخّش و فساد گیر افتاده‌اند.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که نگاه نویسنده به انتخاب عنوان، با ظرافت خاصی همراه بوده است؛ زیرا هر کدام از واژگان موجود در عنوان، به برخی مفاهیم و مقاصد نهفته در ذهن نویسنده اشاره دارد که با متن داستان و سیر حوادثی که بر شخصیت اصلی داستان گذشته است، هماهنگی تام دارد. در نمودار زیر، نشانه‌های موجود در واژه «الأشقر» بیان شده است.



نمودار (۲). نشانه‌های موجود در واژه «الأشقر»

نتیجه

عنوان، بخشی جدانشدنی از هویت یک اثر ادبی است که در پس آن، دنیایی از نشانه و معنا نهفته است. هر بخش از عنوان، با هدف خاصی از سوی نویسنده بر شناسنامه اثر حک شده است. در تحلیل و خوانش عنوان رمان «القاتل الأشقر»، با کمک دانش نشانه‌شناسی، این نتایج حاصل شد:

واژه‌های موجود در عنوان، با هدف خاصی از سوی نویسنده برگزیده شده‌اند و هر کدام از آن‌ها، علاوه بر معنای ظاهری، دارای معانی رمزی و نمادین گوناگونی است و در چهارچوبی از نشانه به کار رفته است.

کلمه «القاتل»، علاوه بر معنای ظاهری آن، اشاره به حوادثی دارد که بخشی از شخصیت اشقر را به نابودی کشانده‌اند؛ برای نمونه، تجاوزهای دوران کودکی، آسیب عاطفی و ازدست رفتن حیثیت در رابطه با شامه، بحران هویت و... مسائلی هستند که تأثیری کشنده بر هویت اشقر داشته‌اند و بکاری از آن به قتل تعبیر کرده است.

واژه الأشقر دارای دو جه معنایی مثبت و منفی است. از لحاظ نمادین، می‌تواند به داغ ننگ ناشی از نامشروع بودن، خاص بودن و مفاهیمی از این دست اشاره داشته باشد. این واژه، دارای معنای رمزی دیگری نیز هست که ارتباط و همنشینی آن با «القاتل» را توجیه می‌کند و آن اینکه سرخ‌مو بودن او اشاره به شدت خونریزی بودنی دارد که تمام وجود او را گرفته است. همچنین، این واژه می‌تواند به خاص بودن و متفاوت بودن اشقر با دیگر افراد عامه‌ای باشد که به‌ناچار یا از روی ناآگاهی به داعش پیوسته‌اند. به‌طور کلی، تمامی رمزها و نشانه‌های موجود در عنوان و همنشینی دو واژه در کنار هم، در خدمت هدف اصلی نویسنده که همان تأیید خونخواری و بی‌هویت بودن سران داعش است، به کار گرفته شده است.

منابع

الف) منابع عربی

- بخیت، فاطمه، سعید بزرگ‌بیگدلی، ناصر نیکوبخت و کبری روشنفکر. (۱۴۳۴ق). «سیمایة العنوان فی قصیدتی "شبگیر" الحمد شاملو و "لیل یفیض من الجسد" لمحمود درویش (دراسة مقارنة)؛ مجلة العلوم الإنسانية الدولية، العدد ۲۰، صص ۱۹-۳۷.

- الحمداوی، جمیل. (۲۰۱۵). سیموطیقا العنوان؛ ط (۱)، (دم): المؤلف.

- خطیب قزوینی، جلال‌الدین. (۲۰۰۳). الإيضاح فی علوم البلاغة؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن؛ دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.

- رحیم، عبدالقادر. (۲۰۰۸)، «العنوان فی النص الإبداعي: أهميته وأنواعه»؛ مجلة كلية الآداب والعلوم الإنسانية والإجتماعية؛ العددان ۲ و ۳، جامعة محمد خيضر - بسكرة الجزائر، صص ۳۱۴-۳۳۴.

- محمد العبيدي، علی أحمد. (۲۰۰۹). «العنوان فی قصص وجدان الخشاب (دراسة سيميائية)»؛ دراسات موصليّة، صص ۵۹-۷۹.

- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۹، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ب) منابع فارسی

- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). فرهنگ بزرگ سخن؛ جلد هفتم، تهران: سخن.
- بشیری، محمود و سمیه آقاجانی کلخوران. «بررسی تطبیقی «عنوان» در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های «آمّ سعد و د/»؛ متن پژوهی ادبی، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶۸.
- پرین، لارنس. (۱۳۹۰). تأملی دیگر در باب داستان؛ ترجمه محسن سلیمانی، چاپ هشتم، تهران: سوره مهر.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۹۳ش). نشانه‌شناسی کاربردی؛ چاپ سوم، تهران: علم.
- محمدی، ابراهیم و طاهره قاسمی دورآبادی. (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل عنوان کتاب‌ها و سروده‌های مهدی اخوان ثالث»؛ ادب فارسی، سال ۶، شماره ۱، (پیاپی ۱۷)، صص ۷۷-۹۲.
- یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۲). هنر داستان‌نویسی؛ چاپ هفتم، تهران: نگاه.

ج) منابع لاتین

- Akhout, Ahmed, (1371), Farhang Buzurg Sakhn, Jild Haftam, Tehran: Sakhn.
- Bakhit, Fatima and Bazurg Begdali, Saeed and Nekobakht, Nasir and Roshanfikar, Kabri, (1434 s), “The name of the title in to poem “Shabegir” Al-Hamd Shamlu and “Night Flows from the Body” by Mahmoud Darwish (comparative study), Journal of Human Sciences Al-Dawlaiyah, Issue 20, pp. 19- 37.
- Bashir, Mahmood and Aghajani Kalkhoran, Sumayyah, “An Applied Study “An Address” in Rumman Hai Baydari Literature with the Compilation of Rumman Hay Umm Saad and Da”, Text of the Literary Book, Tabistan 1395, Issue 68.
- Hamdawi, Jamil, (2015), Simotica of the Title, vol. (1), (DM): Author.
- Mohammadi, Ibrahim and Tahereh Qasimi Durabadi, (1395), “Persian and analysis of the title of the book-Ha and its narration—Hay Mahdi, the third brothers”, Persian literature, Sal 6, Shamara 1, (Piapi 17), pp. 77- 92.
- Mostafavi, Hassan; (1360), Investigation into the words of the Holy Qur’an, vol.9, Tehran: Bengah translation and book publication.
- Muhammad Al-Obeidi, Ali Ahmed, (2009), “The title in the stories of the conscience of al-Khashab (a semiotic study), conductive studies, pp. 59- 79.
- Perrin, Lawrence, (1390), Meditation Diger in Bab Dastan, Translated by Mohsen Soleimani, Chap Hashtam, Tehran: Surah Mehr.
- Ragheb Isfahani, Hossein bin Mohammed; (1412 BC), Al-Mufradat fi Gharib Al-Qur’an, Chapter 1, Damascus: Dar Al-Alam Dar Al-Shamiya.

- Rahim, Abdul Qadir, (2008), "The Title in the Creative Text: Its Importance and Types", Journal of the College of Arts, Humanities and Social Sciences, Issues 2 and 3, Muhammad Kheidar University -Biskra, Algeria, pp. 314- 334.
 - Sojoudi, Farzan, (1393 A.D.), Nashanah –Shnasasi Karbardi, Chapsum, Tehran: Science.
 - Younesi, Ibrahim, (1382), Hanar Dastan –Nawisi, Chap Haftam, Tehran: Negah.
- Khatib Qazwini, Jalal Al-Din (2003), Clarification in the Sciences of Rhetoric, Beirut: Scientific Book House.

References

- Akhout, Ahmed, (1371), Farhang Buzurg Sakhn, Jild Haftam, Tehran: Sakhn.
- Bakhit, Fatima and Bazurg Begdali, Saeed and Nekobakht, Nasir and Roshanfikar, Kabri, (1434 s), "The name of the title in to poem "Shabegir" Al-Hamd Shamlu and "Night Flows from the Body" by Mahmoud Darwish (comparative study), Journal of Human Sciences Al-Dawlaiyah, Issue 20, pp. 19- 37.
- Bashir, Mahmood and Aghajani Kalkhoran, Sumayyah, "An Applied Study "An Address" in Rumman Hai Baydari Literature with the Compilation of Rumman Hay Umm Saad and Da", Text of the Literary Book, Tabistan 1395, Issue 68.
- Hamdawi, Jamil, (2015), Simotica of the Title, vol. (1), (DM): Author.
- Mohammadi, Ibrahim and Tahereh Qasimi Durabadi, (1395), "Persian and analysis of the title of the book-Ha and its narration—Hay Mahdi, the third brothers", Persian literature, Sal 6, Shamara 1, (Piapi 17), pp. 77- 92.
- Mostafavi, Hassan; (1360), Investigation into the words of the Holy Qur'an, vol.9, Tehran: Bengah translation and book publication.
- Muhammad Al-Obeidi, Ali Ahmed, (2009), "The title in the stories of the conscience of al-Khashab (a semiotic study), conductive studies, pp. 59- 79.
- Perrin, Lawrence, (1390), Meditation Diger in Bab Dastan, Translated by Mohsen Soleimani, Chap Hashtam, Tehran: Surah Mehr.
- Ragheb Isfahani, Hossein bin Mohammed; (1412 BC), Al-Mufradat fi Gharib Al-Qur'an, Chapter 1, Damascus: Dar Al-Alam Dar Al-Shamiya.
- Rahim, Abdul Qadir, (2008), "The Title in the Creative Text: Its Importance and Types", Journal of the College of Arts, Humanities and Social Sciences, Issues 2 and 3, Muhammad Kheidar University -Biskra, Algeria, pp. 314- 334.

- Sojoudi, Farzan, (1393 A.D.), Nashanah –Shnasasi Karbardi, Chapsum, Tehran: Science.

- Younesi, Ibrahim, (1382), Hanar Dastan –Nawisi, Chap Haftam, Tehran: Negah.

Khatib Qazwini, Jalal Al-Din (2003), Clarification in the Sciences of Rhetoric, Beirut: Scientific Book House.

سيمائية العنوان في رواية «القاتل الأشقر» لطارق بكاري*

ایمان قنبري أقدم^١، علی اکبر محسنی^{٢*}، علی سلیمی^٣، وحید سبزیان پور^٤

^١ طالب الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^{٢*} أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٣ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٤ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:	الكاتب المغربي طارق بكاري (١٩٨٨) هو أحد الكتاب الموهوبين الذين تمكنوا بقلمه البليغ والفني من فحص جزء كبير من المشاكل التي تؤثر على المجتمع المغربي والمجتمع العربي الإسلامي. وتعتبر رواية "القاتل الأشقر" من أبرز أعماله، حيث تناول فيها حالات شاذة مثل انتشار الدعارة وأزمة الهوية والقتل وغير ذلك. عنوان هذا العمل مليء بالعلامات التي أدرجها بذكاء في العمل. يهدف المؤلفون في هذا المقال إلى التحقق من العلامات الموجودة في عنوان رواية "القاتل الأشقر" باستخدام الأسلوب السيميائي. تظهر نتائج التحقيقات أن كلمة "قاتل" بالإضافة إلى معناها الظاهر تشير إلى حوادث مميتة مثل اغتصاب الأطفال، والضرر العاطفي، وفقدان الكرامة فيما يتعلق بالشامة، وأزمة الهوية، وما إلى ذلك. لقد دمرت جزءاً من الأشقر. الشخصية. كما أن كلمة الأشقر، بالمعنى الرمزي، يمكن أن تشير إلى وصمة العار الناجمة عن اللاشعورية، والتخصص، ومفاهيم من هذا النوع، مما يبرر ارتباطها ورفقتها بـ "القاتل". في هذا العمل، يصور فنياً تحول شخصية الأشقر إلى قاتل مصاص دماء وانضمامه إلى داعش. في الواقع، سعى المؤلف إلى إخفاء أزمة الهوية والفساد الأخلاقي لقادة داعش من خلال تضمين إشارات لغوية مختلفة.
مقالة محكمة	
تاريخ الوصول:	١٤٠١/٠٤/٠٢
تاريخ القبول:	١٤٠٢/٠٨/١٣

الكلمات المفتاحية: سيميائية، علامات بصرية، لقب، طارق بكاري، القاتل الأشقر.

الافتباس: قنبري أقدم، ایمان؛ محسنی، علی اکبر؛ سلیمی، علی، سبزیان پور، وحید؛ (١٤٠٢). سيميائية العنوان في رواية «القاتل الأشقر» لطارق بكاري، مقالة محكمة، السنة الخامسة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الرابع والخمسون، شتاء ١٤٠٢: ٦٥-٤٧.



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2023.17430.3415

الناشر: جامعة الإمام الخميني (ره) الدولية.